



موازن حقوق بشر و نقش آنها در اصلاح سیاست جنایی ایران

نسبت به پدیده خشونت کلامی

امیر قائدی^۱، کریم صالحی^۲، مرتضی صادقی دهصحرایی^۳

۳۴

دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۸/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۹/۲۹

صص: ۳۵-۷

شابا چاپی: ۵۶۳۷-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی صحت کوهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225637.1403.13.3.5.0

چکیده

خشونت کلامی به‌عنوان یکی از اشکال پیچیده خشونت روانی، تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی و سلامت روان افراد می‌گذارد. از آنجا که این نوع خشونت در سیاست جنایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است لذا سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با اصلاحات حقوقی خشونت کلامی را کاهش داد و به سمت سیاست‌های جنایی مبتنی بر اصول حقوق بشری حرکت کرد؟ هدف پژوهش، بررسی راهکارهای جایگزین مجازات‌های سستی و انطباق آن‌ها با استانداردهای حقوق بشری است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قوانین موجود از جامعیت کافی برای مقابله با انواع خشونت کلامی برخوردار نیستند. همچنین مجازات‌های سستی با اصول حقوق بشری مغایرت داشته و می‌بایست چارچوب‌های عدالت ترمیمی در این زمینه جایگزین شوند. از آنجا که جایگزینی مجازات‌های کیفری با رویکردهای عدالت ترمیمی در مقابله با خشونت کلامی می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد لذا از طریق میانجی‌گری، طرفین به گفت‌وگو می‌پردازند و اختلافات را حل می‌کنند. همچنین شرکت در برنامه‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباطی و کنترل هیجانات را تقویت کرده و به کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز در بلندمدت منجر می‌شود. از سوی دیگر الزام مرتکبین به خدمات اجتماعی نه تنها جبران خسارت است، بلکه حس مسئولیت‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند. در مواردی که خشونت کلامی ناشی از مشکلات روانی است، ملزم کردن فرد به مشاوره یا درمان روانشناختی می‌تواند به رفع ریشه‌های مشکلات کمک کند. پژوهش نشان می‌دهد که مجازات‌های کیفرگرا، که در قوانین ایران برای خشونت کلامی در نظر گرفته شده است، با اصول حقوق بشر مغایرت دارند.

کلیدواژه‌ها: خشونت کلامی، سیاست جنایی، عدالت ترمیمی، کرامت انسانی، حقوق بشر.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

dadvarz@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

مقدمه

خشونت کلامی به‌عنوان یکی از اشکال خشونت غیرمستقیم، تأثیرات عمیقی بر سلامت روانی، اجتماعی و حتی جسمی افراد می‌گذارد. این نوع خشونت که شامل تحقیر، توهین، تهدید و ایجاد ترس در افراد است، به دلیل ماهیت غیرجسمانی آن در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، در سال‌های گذشته کمتر مورد توجه حقوقی و قضایی قرار گرفته است. اما با توجه به افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق فردی و انسانی، نیاز به بازنگری در سیاست‌های جنایی کشورها برای مقابله با خشونت کلامی بیش از پیش احساس می‌شود.

در جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های جنایی معمولاً بر پایه اصول کیفرگرا طراحی شده‌اند؛ به این معنا که مجازات، به‌عنوان ابزار اصلی برخورد با جرائم، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این رویکرد، اگرچه در مقابله با برخی جرائم اثربخش بوده، اما در رابطه با خشونت کلامی که ماهیت متفاوت و پیچیده‌ای دارد، نیازمند بازنگری جدی است. از طرفی، حقوق بشر به‌عنوان یک چارچوب جهانی در برخورد با خشونت‌های مختلف، تأکید ویژه‌ای بر حفظ کرامت انسانی، آزادی بیان و حقوق فردی دارد که در بسیاری از موارد با سیاست‌های جنایی کیفرگرا تعارض پیدا می‌کند. بنابراین، تلفیق موازن حقوق بشر با سیاست‌های جنایی می‌تواند به یک رویکرد متعادل و مؤثر در کاهش خشونت کلامی منجر شود (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۴۵).

در چارچوب حقوق داخلی ایران، «قانون مجازات اسلامی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قوانین کشور، مواد مختلفی در ارتباط با توهین، افترا و نشر اکاذیب را دربرمی‌گیرد. برای مثال، ماده ۶۰۸ این قانون صراحتاً به مجازات توهین به افراد اشاره می‌کند که به شش ماه تا دو سال حبس یا ۷۴ ضربه شلاق منجر می‌شود. همچنین، ماده ۶۰۹ به مجازات توهین به مقامات و مسئولان دولتی پرداخته که مجازات آن نیز حبس و جریمه نقدی است. این مواد، هرچند به‌طور صریح به خشونت کلامی اشاره ندارند، اما می‌توانند به‌عنوان چارچوبی ابتدایی برای مقابله با این نوع خشونت استفاده شوند.

در سطح بین‌المللی، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به‌عنوان دو سند پایه‌ای حقوق بشر، تأکید ویژه‌ای بر حق آزادی بیان و همچنین منع هرگونه تعرض به حیثیت و کرامت انسانی دارند. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به

آزادی بیان اشاره دارد، اما در عین حال تأکید می‌کند که این حق نباید به گونه‌ای استفاده شود که به حقوق دیگران لطمه وارد کند. همچنین، ماده ۲۰ این میثاق به صراحت هرگونه تحریک به خشونت یا کینه‌ورزی را ممنوع می‌سازد (باقری و وفا درویش پور، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

اهمیت جایگزینی مجازات‌های سنتی، از جمله مجازات‌های فیزیکی یا بدنی، با سیاست‌های انسانی و غیرکیفرگرا در نظام حقوق کیفری ایران ناشی از ضرورت‌های اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی است. تغییرات ساختاری در جامعه و تحولات فرهنگی، همراه با نیاز به انطباق قوانین داخلی با موازین بین‌المللی همچون اصول حقوق بشر و عدالت ترمیمی، ایجاب می‌کند که نظام کیفری از رویکردهای تنبیهی فاصله گرفته و به سمت سیاست‌هایی مبتنی بر بازپروری، اصلاح و جبران خسارت حرکت کند. تجربه نشان داده است که مجازات‌های سنتی اغلب نه تنها در اصلاح رفتار مجرمین موفق نیستند، بلکه موجب بازتولید جرم و تشدید آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقات متعددی در زمینه جایگزینی مجازات‌های سنتی انجام شده است. در سطح داخلی، برخی مطالعات به بررسی ابعاد قانونی و اجتماعی جایگزین‌های حبس پرداخته و ظرفیت‌های فقه اسلامی را برای اصلاح سیاست‌های کیفری شناسایی کرده‌اند. پژوهش‌هایی نیز بر اختیارات حاکم اسلامی در تعیین مجازات‌های تعزیری تأکید داشته و ظرفیت فقه برای پذیرش سیاست‌های اصلاحی را برجسته کرده‌اند. در سطح بین‌المللی، اسنادی نظیر اصول توکیو، قواعد نلسون ماندلا و دستورالعمل‌های مرتبط با عدالت ترمیمی، سیاست‌های نوینی همچون بازپروری، میانجی‌گری و جبران خسارت را به جای مجازات‌های تنبیهی معرفی کرده‌اند.

در این راستا، چند پرسش اساسی مطرح می‌شود: آیا حذف یا جایگزینی مجازات‌های فیزیکی در نظام حقوق کیفری ایران با ملاحظات شرعی و قانونی قابل اجراست؟ موازین بین‌المللی چه الگوهایی برای جایگزینی مجازات‌های سنتی ارائه کرده‌اند؟

فرض بر این است که حذف یا جایگزینی مجازات‌های فیزیکی در ایران با استفاده از اصول مقاصدی شریعت و اختیارات تعزیری حاکم اسلامی امکان‌پذیر است. همچنین، موازین بین‌المللی از جمله اصول توکیو و قواعد نلسون ماندلا، الگوهای کارآمدی برای این جایگزینی

ارائه می‌دهند که با قوانین داخلی قابل انطباق‌اند. فقه اسلامی، با توجه به اصولی همچون عدالت، مصلحت، دفع ضرر و رفع حرج، ظرفیت گسترده‌ای برای پذیرش سیاست‌های جایگزین دارد.

بازاندیشی مفهوم خشونت کلامی در بستر حقوق بشر

خشونت کلامی به‌عنوان یکی از اشکال پیچیده و غیرمستقیم خشونت، شامل استفاده از زبان برای تحقیر، تهدید، توهین، یا آسیب رساندن به کرامت و شخصیت افراد است. این نوع خشونت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روان، عزت نفس و ارتباطات اجتماعی افراد بگذارد، در حالی که ماهیت غیرفیزیکی آن ممکن است باعث شود در برخی نظام‌های حقوقی توجه کافی به آن نشود. اما در بستر حقوق بشر، تعریف و درک از خشونت کلامی ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند و تمرکز بیشتری بر کرامت انسانی و حقوق بنیادین فرد دارد.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هرگونه شکنجه یا رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را ممنوع کرده و این ممنوعیت می‌تواند به انواع خشونت کلامی که منجر به تحقیر و آسیب روحی افراد می‌شود نیز تعمیم داده شود. همچنین، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به ممنوعیت اعمال شکنجه و مجازات‌های تحقیرآمیز تأکید دارد که از جنبه‌ای حقوقی به نقش زبان در اعمال این نوع خشونت توجه می‌کند (کوشش کار و قاسمی‌عهد، ۱۳۹۸: ۵۷).

یکی از مسائل کلیدی در این زمینه، ضرورت بازنگری در سیاست‌های جنایی مبتنی بر کیفرگرایی است. رویکرد کیفرگرا که بر مجازات‌های سخت و شدید برای مقابله با جرم تأکید دارد، در برابر خشونت کلامی ممکن است کارایی لازم را نداشته باشد. خشونت کلامی به دلیل ماهیت غیرمستقیم و تأثیرات روانی، نیازمند رویکردهای پیشگیرانه، حمایتی و بازدارنده بیشتری است. از این رو، حقوق بشر تأکید دارد که باید بین مجازات کیفری و تأمین عدالت اجتماعی توازن ایجاد شود و سیاست‌های جنایی با ملاحظات انسانی و حقوقی متناسب‌سازی شوند (آقابابایی و نظری، ۱۴۰۰: ۷۲).

در قوانین داخلی ایران، موادی مانند ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی به موضوع توهین و افترا پرداخته‌اند. اما این مواد به‌صورت کلی خشونت کلامی را پوشش می‌دهند و به‌صورت خاص به ماهیت این نوع خشونت و نیاز به برخورد مناسب با آن اشاره نمی‌کنند. به

همین دلیل، نیاز به تدوین قوانین جدید و به‌روزرسانی قوانین موجود در راستای حمایت از حقوق فردی و کرامت انسانی مشهود است.

گذار از سیاست جنایی کیفرگرا به سیاست جنایی انسانی

سیاست جنایی کیفرگرا در طول تاریخ، به‌ویژه در نظام‌های حقوقی بسیاری از کشورها از جمله ایران، به‌عنوان ابزار اصلی برای مقابله با جرایم مختلف، از جمله خشونت کلامی، مورد استفاده قرار گرفته است. این رویکرد بر اساس استفاده از مجازات‌های سنگین و سخت‌گیرانه برای بازدارندگی و کنترل جرم شکل گرفته است. با این حال، در مواجهه با مسائل پیچیده‌ای چون خشونت کلامی، که ابعاد روانی و اجتماعی عمیقی دارد، سیاست‌های کیفرگرا با چالش‌های اساسی روبرو شده‌اند. در چنین شرایطی، گذار از سیاست جنایی کیفرگرا به سیاست جنایی انسانی ضرورت یافته است. سیاست جنایی کیفرگرا، اگرچه بر اعمال مجازات‌های سخت برای کنترل جرم تمرکز دارد، اما در زمینه جرایمی که تأثیرات روانی و اجتماعی دارند، کارآیی لازم را نشان نداده است. به‌عنوان مثال، خشونت کلامی، که ماهیت غیرفیزیکی و روانی دارد، نیازمند رویکردی است که علاوه بر مجازات، به ابعاد اجتماعی و انسانی این نوع خشونت نیز توجه کند (آقایی‌نیا، ۱۳۹۹: ۳۰).

در سیاست جنایی کیفرگرا، مجازات به‌عنوان هدف اصلی تلقی می‌شود و کمتر به ترمیم آسیب‌های اجتماعی و فردی ناشی از جرم پرداخته می‌شود. این رویکرد نه تنها ممکن است در پیشگیری از خشونت کلامی ناکارآمد باشد، بلکه به دلیل نبود تدابیر حمایتی و ترمیمی، باعث تداوم و حتی افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه می‌شود. از این رو، در راستای حقوق بشر، سیاست جنایی باید از چارچوب صرفاً کیفرگرا خارج شده و به سوی سیاست‌های انسانی و ترمیمی گرایش پیدا کند.

سیاست جنایی انسانی بر مبنای مفاهیم کرامت انسانی، عدالت ترمیمی، و رعایت حقوق بشری طراحی می‌شود. در این رویکرد، به‌جای تمرکز صرف بر مجازات، هدف اصلی ترمیم آسیب‌های ناشی از جرم و بازگشت جامعه به وضعیت تعادل است. حقوق بشر به‌عنوان یکی از

چارچوب‌های اساسی سیاست جنایی انسانی، تأکید ویژه‌ای بر احترام به کرامت انسانی، حق آزادی بیان، و منع هرگونه رفتار تحقیرآمیز یا خشونت‌آمیز دارد.

در سطح بین‌المللی، حقوق بشر به‌ویژه در اسنادی چون «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «اعلامیه جهانی حقوق بشر» بر لزوم احترام به کرامت انسانی و برخورد متعادل با مجرمان تأکید دارد. ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً به لزوم رفتار انسانی با افراد محکوم اشاره دارد و توصیه می‌کند که نظام‌های حقوقی باید رویکردهای اصلاحی و بازپرورانه را به‌جای مجازات‌های سختگیرانه در اولویت قرار دهند. این ماده می‌تواند به‌عنوان مبنای حقوقی برای گذار از سیاست کیفرگرا به سیاست انسانی در ایران و سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد (احمدزاده و تام، ۱۴۰۰: ۵۴). جایگزینی مجازات‌های کیفری با رویکردهای عدالت ترمیمی در مقابله با خشونت کلامی می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش آسیب‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی داشته باشد. از طریق میانجی‌گری اجتماعی، طرفین درگیری تحت نظارت میانجی بی‌طرف به گفت‌وگو می‌پردازند و سوءتفاهم‌ها یا اختلافات فرهنگی را حل می‌کنند. همچنین، شرکت در برنامه‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی و کنترل هیجانات را تقویت کرده و به کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز در بلندمدت منجر می‌شود. الزام مرتکبین به خدمات اجتماعی، علاوه بر جبران خسارت، حس مسئولیت‌پذیری و همدلی را در آنان تقویت می‌کند. برگزاری جلسات ترمیمی با حضور قربانی و مرتکب فرصتی برای بیان احساسات قربانی و افزایش درک مرتکب از پیامدهای رفتار خود فراهم می‌آورد. در مواردی که خشونت کلامی ناشی از مشکلات روانی است، ملزم کردن فرد به مشاوره یا درمان روانشناختی می‌تواند به رفع ریشه‌ای مشکلات کمک کند. جبران مالی یا معنوی خسارت، از جمله عذرخواهی رسمی، نیز به ترمیم آسیب‌های حیثیتی یا روانی قربانی می‌انجامد. این رویکردها با تمرکز بر اصلاح رفتار، بازسازی روابط، و پیشگیری از تکرار خشونت، مصادیق برجسته‌ای از سیاست‌های اصلاحی و انسانی نظیر میانجی‌گری، آموزش مهارت‌های اجتماعی، و تقویت همبستگی اجتماعی به شمار می‌روند.

عدالت ترمیمی در برابر خشونت کلامی

عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از مفاهیم نوین در سیاست‌های جنایی، در مواجهه با خشونت‌های کلامی، رویکردی جدید و متفاوت از عدالت کیفری سنتی ارائه می‌دهد. برخلاف

نظام‌های کیفرگرا که بر مجازات مرتکب تمرکز دارند، عدالت ترمیمی به‌دنبال ترمیم آسیب‌ها و ایجاد سازش و بازگشت اجتماعی است. این رویکرد به‌ویژه در مواردی مانند خشونت کلامی که تأثیرات روانی و اجتماعی عمیقی دارد، می‌تواند راهکار مؤثرتری برای حل تعارضات و کاهش آسیب‌ها باشد.

خشونت کلامی، برخلاف خشونت‌های فیزیکی، تأثیرات روانی عمیق‌تری بر قربانیان دارد. این نوع خشونت، با ایجاد احساس تحقیر، ناامنی، و بی‌ارزشی در قربانیان، می‌تواند منجر به ایجاد اختلالات روانی و اجتماعی جدی شود. از آنجا که آثار این نوع خشونت غالباً نامرئی و طولانی‌مدت هستند، رویکردهای سنتی کیفرگرا، که تنها بر مجازات فیزیکی یا جریمه مالی تأکید دارند، نمی‌توانند به‌طور مؤثری این آسیب‌ها را جبران کنند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰).

عدالت ترمیمی در برابر خشونت کلامی می‌تواند با فراهم کردن فرصتی برای گفت‌وگو میان مرتکب و قربانی، به بهبود شرایط روانی و اجتماعی قربانی کمک کند. این گفت‌وگو به مرتکب امکان می‌دهد تا از تأثیرات مخرب اعمال خود آگاه شود و به جبران آن بپردازد. همچنین، قربانی نیز با دریافت حمایت‌های اجتماعی و روانی، احساس امنیت و ارزشمندی خود را بازیابد. در سیاست‌های جنایی سنتی، مجازات‌های سخت مانند زندان یا جریمه‌های سنگین معمولاً به‌عنوان راهکارهای اصلی در مقابله با خشونت کلامی در نظر گرفته می‌شوند. اما در چارچوب عدالت ترمیمی، ابزارهای دیگری مانند جلسات میانجی‌گری، تعهد به عدم تکرار رفتار خشونت‌آمیز، و جبران مالی یا روانی قربانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف این است که مرتکب و قربانی در فرآیندی مشارکتی، به راه‌حلی برای بازسازی روابط و رفع آسیب‌ها دست یابند.

در ایران، برخی نهادهای حقوقی و قضایی به‌طور محدود به استفاده از سازوکارهای ترمیمی روی آورده‌اند. اما این رویکرد هنوز به‌طور گسترده در مواردی مانند خشونت کلامی مورد استفاده قرار نگرفته است. برای مثال، کمیته‌های میانجی‌گری که در برخی موارد برای حل اختلافات خانوادگی و اجتماعی شکل می‌گیرند، می‌توانند به‌عنوان مدلی برای اجرای عدالت ترمیمی در موارد خشونت کلامی مورد استفاده قرار گیرند.

قانون مجازات اسلامی ایران در مواردی به راهکارهای ترمیمی و سازش اشاره دارد، اما این قوانین بیشتر در زمینه جرایم مالی یا اختلافات اجتماعی اجرا می‌شوند. برای نمونه، ماده ۸۲

قانون آیین دادرسی کیفری به امکان میانجی‌گری و سازش در برخی جرایم اشاره دارد. اما هنوز چارچوب مشخصی برای استفاده از این رویکرد در خشونت‌های کلامی تدوین نشده است. برای اجرای عدالت ترمیمی در ایران، نیاز به اصلاح و تکمیل قوانین موجود است تا خشونت کلامی به‌عنوان جرمی که نیازمند ترمیم و سازش است، در اولویت قرار گیرد (سپهوند، ۱۳۸۹: ۸۸). برای تقویت رویکردهای عدالت ترمیمی و جایگزینی مؤثر مجازات‌های سستی، توسعه نهادهای میانجی‌گری و گسترش صلاحیت حرفه‌ای میانجی‌گران می‌تواند نقش محوری ایفا کند. این اقدام مستلزم تدوین قوانین و آیین‌نامه‌هایی است که هم نهادهای میانجی‌گری را تقویت کند و هم صلاحیت و مهارت میانجی‌گران را در راستای حل و فصل عادلانه و کارآمد اختلافات ارتقا بخشد.

توسعه نهادهای میانجی‌گری به معنای ایجاد یا تقویت مراکز مستقل و وابسته به قوه قضاییه است که وظیفه آن‌ها مدیریت اختلافات و درگیری‌های اجتماعی، به‌ویژه در حوزه خشونت کلامی، از طریق روش‌های صلح‌آمیز است. این نهادها باید به‌عنوان مراجع رسمی میانجی‌گری در جامعه شناخته شوند و با ارائه خدماتی همچون جلسات مشاوره، میانجی‌گری تخصصی و سازش میان طرفین، جایگاه محکمی در سیاست‌های جنایی کشور داشته باشند.

توسعه صلاحیت میانجی‌گران نیز نیازمند تدوین معیارهای دقیق و شفاف برای انتخاب، آموزش و ارزیابی دارندگان پروانه‌های میانجی‌گری از سوی قوه قضاییه است. میانجی‌گران باید علاوه بر تسلط بر مبانی حقوقی و آیین دادرسی، مهارت‌های روانشناختی، ارتباطی، و اجتماعی لازم را نیز کسب کنند. برنامه‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که میانجی‌گران بتوانند با درک عمیق از ابعاد انسانی و حقوقی اختلافات، راه‌حل‌های سازنده و عادلانه ارائه دهند.

تصریح این موارد در قوانین و آیین‌نامه‌ها به‌منظور اجرای دقیق و هماهنگ این رویکردها ضروری است. قانون‌گذاری در این زمینه می‌تواند شامل موادی باشد که وظایف نهادهای میانجی‌گری، فرایند صدور پروانه میانجی‌گری، نظارت بر عملکرد آن‌ها، و همچنین آموزش‌های اجباری میانجی‌گران را به‌طور دقیق مشخص کند. همچنین، تدوین آیین‌نامه‌های مرتبط می‌تواند به تفصیل روش‌های میانجی‌گری، حقوق و تعهدات طرفین در این فرایند، و نقش قوه قضاییه در نظارت و ارزیابی میانجی‌گری را تعیین نماید.

نقد سیاست‌های کیفری ایران در قبال خشونت کلامی

سیاست‌های کیفری ایران در قبال خشونت کلامی، همانند بسیاری از کشورها، مبتنی بر مجازات‌های کیفری و کیفرگرا بوده است. این سیاست‌ها عمدتاً بر مجازات توهین، افترا، و نشر اکاذیب متمرکز هستند، اما به دلیل عدم شفافیت در تعریف خشونت کلامی و نبود رویکردهای جامع‌تر برای مقابله با آن، نقدهایی اساسی به آن وارد است. این نقدها نه تنها در سطح حقوق داخلی بلکه از منظر تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر نیز اهمیت دارند.

قانون مجازات اسلامی به‌عنوان ستون فقرات سیاست‌های جنایی ایران، مواردی را در خصوص توهین و افترا در نظر گرفته است. به‌طور خاص، ماده ۶۰۸ و ماده ۶۰۹ این قانون به مجازات توهین به اشخاص عادی و مسئولین دولتی اشاره دارد. بر اساس این مواد، هرگونه توهین به افراد با مجازات‌هایی از قبیل حبس یا شلاق مواجه خواهد شد. همچنین ماده ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، به جرم افترا و نشر اکاذیب پرداخته است که در صورت اثبات، منجر به مجازات‌هایی از جمله حبس و جریمه نقدی می‌شود. با وجود این مواد قانونی، رویکرد کلی سیاست کیفری ایران در قبال خشونت کلامی بر محوریت مجازات‌های سختگیرانه استوار است و به جنبه‌های ترمیمی، بازپروری یا پیشگیری از این نوع خشونت توجه کافی ندارد. این مسئله باعث شده که سیاست‌های موجود، ناکارآمدی خود را در کاهش میزان خشونت‌های کلامی نشان دهند (عبداللهی نژاد و مجلسی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

یکی از نقدهای اصلی وارد بر سیاست‌های کیفری ایران، عدم توجه به ابعاد روانی و اجتماعی خشونت کلامی است. خشونت کلامی، برخلاف جرائم فیزیکی، تأثیرات روانی و اجتماعی عمیقی بر قربانیان دارد. قانون مجازات اسلامی اگرچه به مجازات توهین و افترا پرداخته، اما از پرداختن به حمایت‌های روانی و اجتماعی از قربانیان بازمانده است. قربانیان خشونت کلامی به‌ویژه در مواردی که این خشونت در بسترهای خانوادگی یا اجتماعی رخ می‌دهد، نیازمند حمایت‌های روان‌شناختی و اجتماعی هستند که در سیاست‌های فعلی جایی ندارد.

از منظر بین‌المللی، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متعهد به رعایت استانداردهای حقوق بشری است که در این میثاق ذکر شده است. ماده ۱۹ این میثاق به حق آزادی بیان تأکید دارد، اما در عین حال بر این نکته تأکید می‌کند که این

آزادی نباید به حقوق و حیثیت دیگران آسیب برساند. همچنین ماده ۷ میثاق، هرگونه رفتار تحقیرآمیز یا مجازات خشن را ممنوع می‌داند (فانی و اصل پور، ۱۳۹۷: ۹۵).

سیاست‌های کیفرگرایانه ایران در قبال خشونت کلامی، اگرچه در ظاهر با اصول جلوگیری از خشونت همخوانی دارد، اما از جنبه حقوق بشری نیازمند تعدیل و بازنگری است. این سیاست‌ها به دلیل تمرکز بر مجازات‌های شدید و غفلت از حقوق قربانی و مرتکب، با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در تضاد است. حقوق بشر به بازسازی روابط اجتماعی، ترمیم آسیب‌ها، و حمایت از قربانیان تأکید دارد، در حالی که سیاست‌های کیفری ایران عمدتاً بر مجازات صرف تمرکز دارند.

مجازات‌های موجود در قانون مجازات اسلامی، مانند حبس، شلاق و جریمه نقدی، در عمل نتوانسته‌اند به کاهش خشونت کلامی در جامعه منجر شوند. یکی از دلایل این ناکارآمدی، این است که این مجازات‌ها بیشتر به‌عنوان ابزار تنبیهی عمل می‌کنند و کمتر به اصلاح رفتار مجرم و حمایت از قربانی می‌پردازند. در بسیاری از موارد، افراد مرتکب خشونت کلامی بدون دریافت آموزش‌های لازم یا مشاوره‌های روان‌شناختی به جامعه بازمی‌گردند و رفتار خشونت‌آمیز خود را تکرار می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۰: ۷۸).

از سوی دیگر، مجازات‌های سخت‌گیرانه برای خشونت کلامی ممکن است منجر به ایجاد حس بی‌عدالتی در جامعه شود. در بسیاری از موارد، ممکن است توهین‌ها و افتراهای کوچک منجر به مجازات‌های سنگین شوند که با توجه به میزان آسیب ایجاد شده، ناعادلانه به نظر برسند. با توجه به نقاط ضعف ذکر شده، سیاست‌های کیفری ایران نیازمند بازنگری جدی هستند. این بازنگری باید در سه محور اصلی متمرکز شود:

تقویت رویکردهای ترمیمی: به جای تمرکز صرف بر مجازات، باید به جنبه‌های ترمیمی، حمایتی و بازپروری توجه بیشتری شود. این رویکرد می‌تواند با برنامه‌های آموزشی، جلسات میانجی‌گری، و حمایت‌های روانی-اجتماعی همراه باشد.

تدوین قوانین خاص برای خشونت کلامی: در حال حاضر، خشونت کلامی به‌طور خاص در قوانین ایران تعریف نشده است. تدوین قوانین جدید که به‌طور خاص به خشونت کلامی و روش‌های مقابله با آن بپردازند، ضروری به نظر می‌رسد.

انطباق با حقوق بشر: سیاست‌های کیفری باید با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر همخوانی بیشتری داشته باشند. به جای مجازات‌های سخت‌گیرانه، رویکردهای بازپرورانه و حمایتی که بر حفظ کرامت انسانی تأکید دارند، باید در اولویت قرار گیرند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵).

موانع قانونی و حقوقی در بازنگری مجازات‌های خشونت کلامی

یکی از مهم‌ترین موانع قانونی در بازنگری مجازات‌های خشونت کلامی در ایران، محدودیت‌های ذاتی موجود در قانون مجازات اسلامی است. این قانون به‌عنوان اساس حقوق کیفری در ایران، اصول و مواد مختلفی در زمینه مقابله با توهین و افترا وضع کرده است، اما این اصول در برابر واقعیت پیچیده خشونت کلامی کافی به نظر نمی‌رسند. از جمله مهم‌ترین این موانع، عدم تعریف دقیق و جامع خشونت کلامی در این قانون است. برای مثال، ماده ۶۰۸ و ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات‌هایی برای توهین به افراد و مقامات دولتی پرداخته‌اند، اما این مواد تنها به نوعی از خشونت کلامی که به‌صورت مستقیم و آشکار اتفاق می‌افتد، اشاره دارند. این در حالی است که خشونت کلامی می‌تواند ابعاد بسیار پیچیده‌تری مانند تحقیر غیرمستقیم، سوءاستفاده روانی و تحقیر اجتماعی را نیز شامل شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۹۸).

علاوه بر این، سیستم کیفری ایران به شدت تحت تأثیر موازین شرعی است که مانع از توسعه رویکردهای نوین عدالت ترمیمی یا حمایت‌های روانی-اجتماعی در مقابله با خشونت کلامی می‌شود. قوانین شرعی که مجازات‌های فیزیکی یا مالی را به‌عنوان ابزار اصلی مقابله با جرائم مطرح می‌کنند، فضایی برای استفاده از رویکردهای اصلاحی، آموزشی یا ترمیمی فراهم نمی‌آورند. به‌عنوان مثال، مواردی همچون شلاق که در قوانین مجازات اسلامی به‌عنوان مجازات اصلی برای توهین مطرح شده، با رویکردهای مدرن عدالت ترمیمی که بر اصلاح رفتار فرد مرتکب و جبران آسیب‌های روانی و اجتماعی قربانی تأکید دارند، همخوانی ندارد. این عدم همخوانی، یکی از مهم‌ترین موانع در بازنگری و به‌روز کردن سیاست‌های کیفری است (قهرمانی، ۱۳۹۵: ۹۴). قواعد شرعی در نظام حقوق کیفری ایران که بر پایه فقه اسلامی بنا شده‌اند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ملاحظات و چارچوب‌های حقوقی مطرح هستند. این قواعد، ضمن تعیین

ضوابط کلی برای جرم‌انگاری و اعمال مجازات، گاهی به‌عنوان مانعی برای پذیرش رویکردهای نوین همچون عدالت ترمیمی و مجازات‌های جایگزین تلقی می‌شوند. با این حال، تحلیل‌های عمیق‌تر نشان می‌دهد که با تفسیرهای اصولی و اجتهادی از فقه اسلامی، می‌توان این موانع را رفع کرد و همزمان با حفظ مبانی شرعی، پاسخگوی نیازهای متغیر و پیچیده اجتماعی نیز بود. یکی از چالش‌های اصلی، تقدم مجازات‌های حدی و تعزیری در فقه اسلامی است که در برخی موارد، مجازات‌های معین و قطعی را برای جرایم خاص تعیین کرده است. این امر در نگاه نخست، امکان جایگزینی مجازات‌های سنتی با رویکردهای ترمیمی را محدود می‌کند. با این وجود، در مواردی که نصوص شرعی قطعی وجود ندارد یا تعیین نوع مجازات به حاکم اسلامی سپرده شده است، ظرفیت فقه پویا می‌تواند زمینه‌ای برای جایگزینی مؤثر فراهم آورد.

رفع این موانع شرعی نیازمند تفسیر مقاصدی از شریعت است که اصولی همچون عدالت، مصلحت و دفع مفسد را به‌عنوان مبانی اساسی مدنظر قرار می‌دهد. میانجی‌گری و عدالت ترمیمی، به‌عنوان ابزارهایی برای تحقق این اصول و کاهش آسیب‌های اجتماعی، می‌توانند در چارچوب این تفاسیر مورد پذیرش قرار گیرند. از سوی دیگر، بسیاری از مجازات‌ها که در دسته تعزیرات قرار دارند، تحت اختیارات حاکم اسلامی هستند و این اختیار، فرصت قانونی و شرعی لازم برای جایگزینی مجازات‌های سنتی با رویکردهای اصلاحی را فراهم می‌کند.

توسعه اجتهاد در موضوعات نوپدید نیز می‌تواند به ارائه راهکارهایی مبتنی بر نیازهای روز کمک کند. فقهای معاصر با استفاده از روش‌های اجتهادی، می‌توانند جرایمی همچون خشونت کلامی را در ابعاد اجتماعی بررسی کرده و مجازات‌هایی متناسب با روح شریعت پیشنهاد دهند. در کنار این موارد، استناد به قواعد فقهی همچون "لاضرر" و "رفع حرج"، در شرایطی که مجازات‌های سنتی نه‌تنها موجب اصلاح نمی‌شوند، بلکه آسیب‌های بیشتری را به دنبال دارند، می‌تواند توجیهی قوی برای پذیرش رویکردهای جایگزین ارائه دهد.

از منظر بین‌المللی نیز، تعهدات ایران بر اساس اسناد و معاهدات حقوق بشری که به آن پیوسته است، به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، زمینه‌هایی برای بازنگری در سیاست‌های کیفری فراهم می‌آورد. ماده ۷ این میثاق، هرگونه رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را منع می‌کند و همچنین ماده ۱۹، بر اهمیت حق آزادی بیان تأکید دارد، اما به‌طور

همزمان یادآور می‌شود که این آزادی نباید به حیثیت و کرامت دیگران لطمه وارد کند. با این حال، در ایران رویکردهای حقوق بشری که مبتنی بر کرامت انسانی هستند، به‌طور کامل در سیاست‌های کیفری لحاظ نشده‌اند و تعارض‌هایی میان اصول حقوق بشری و قوانین داخلی مشاهده می‌شود.

نقش حقوق بشر در ترویج سیاست‌های جنایی پیشگیرانه و اصلاح‌گرا

حقوق بشر به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی نظام‌های حقوقی مدرن، نقش مهمی در تغییر نگرش نسبت به سیاست‌های جنایی، به‌ویژه در رابطه با جرم‌های روانی و اجتماعی مانند خشونت کلامی، دارد. این تغییر نگرش باعث می‌شود سیاست‌های جنایی از رویکردهای کیفرگرا و مجازات‌محور فاصله گرفته و به سمت سیاست‌های پیشگیرانه و اصلاح‌گرا حرکت کنند. در این بخش به بررسی نقش حقوق بشر در ترویج این نوع سیاست‌ها می‌پردازیم و ارتباط آن را با خشونت کلامی و سیاست‌های کیفری بررسی خواهیم کرد.

در چارچوب حقوق بشر، یکی از مهم‌ترین اصول، حفظ کرامت انسانی است که به‌صورت مستقیم بر سیاست‌های جنایی تأثیر می‌گذارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان دو سند پایه‌ای در حقوق بشر، تأکید ویژه‌ای بر حمایت از کرامت انسانی و پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز دارند. ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هرگونه شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز را منع کرده و از کشورها می‌خواهد که سازوکارهای پیشگیرانه برای مقابله با انواع خشونت را تقویت کنند.

یکی از نقش‌های اساسی حقوق بشر در سیاست‌های جنایی، تأکید بر اصلاح‌گری به‌جای کیفرگرایی است. در سیاست‌های جنایی کیفرگرا، مجازات به‌عنوان ابزار اصلی کنترل جرم مطرح است، اما حقوق بشر این دیدگاه را محدود کرده و بر اصلاح رفتار مجرمان و بازپروری آنها تأکید دارد. ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به لزوم رفتار انسانی با زندانیان و تأمین امکانات اصلاح و بازپروری آنها اشاره می‌کند. این ماده نشان‌دهنده تعهدات بین‌المللی در زمینه استفاده از سیاست‌های اصلاحی به‌جای مجازات‌های خشن است (محمدخانی، ۱۳۹۹: ۳۲).

در ارتباط با خشونت کلامی، سیاست‌های اصلاح‌گرایانه می‌تواند شامل برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌شناختی برای افرادی باشد که مرتکب خشونت‌های کلامی شده‌اند. به‌جای مجازات حبس یا شلاق، سیاست‌هایی همچون تعهد به شرکت در جلسات آموزشی و اصلاحی، تحت نظارت قرار گرفتن از سوی مشاوران و روان‌شناسان، و شرکت در برنامه‌های اجتماعی می‌تواند تأثیر بهتری در جلوگیری از تکرار خشونت کلامی داشته باشد. این رویکرد با اصول حقوق بشری همخوانی بیشتری دارد و به‌جای افزایش تنش در جامعه، به ترمیم و بازسازی روابط انسانی کمک می‌کند.

در ایران، هرچند قانون مجازات اسلامی بیشتر بر مجازات‌های سختگیرانه مانند حبس و شلاق تأکید دارد، اما تلاش‌هایی نیز برای اصلاح و بازنگری در سیاست‌های کیفری صورت گرفته است. با این حال، هنوز خلأهای قانونی در زمینه استفاده از رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی به چشم می‌خورد. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری به امکان استفاده از میانجی‌گری در جرایم قابل‌گذشت اشاره دارد که می‌تواند به‌عنوان رویکردی ترمیمی در جرایمی مانند خشونت کلامی مورد استفاده قرار گیرد. این قانون هرچند قدمی به‌سمت اصلاح‌گری است، اما به‌طور گسترده در زمینه خشونت‌های کلامی به‌کار گرفته نشده است و نیاز به تدوین قوانین جامع‌تری در این زمینه احساس می‌شود (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

در سطح بین‌المللی، کشورهایی که بر اساس اصول حقوق بشر عمل می‌کنند، برنامه‌های جامع پیشگیرانه و اصلاحی در مواجهه با خشونت‌های روانی و کلامی تدوین کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در اروپا، «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» با تأکید بر احترام به کرامت انسانی، کشورهای عضو را ملزم به استفاده از سیاست‌های پیشگیرانه و اصلاحی کرده است. برنامه‌های آموزشی در مدارس، تبلیغات اجتماعی، و استفاده از میانجی‌گری در جرایم غیرخشونت‌آمیز از جمله راهکارهای موفق در این کشورها به‌شمار می‌رود.

بازاندیشی سیاست‌های کیفری ایران در راستای همگرایی بین‌المللی

بازاندیشی سیاست‌های کیفری ایران در راستای همگرایی با نظام‌های حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه مقابله با خشونت کلامی، نیازمند بررسی دقیق تطابق یا تفاوت‌های موجود میان قوانین داخلی و استانداردهای جهانی حقوق بشر است. در نظام‌های حقوقی جهانی، به‌ویژه تحت اسناد

بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصولی مطرح شده‌اند که بر حفظ کرامت انسانی، احترام به آزادی بیان و ممنوعیت هرگونه رفتار تحقیرآمیز یا خشونت‌آمیز تأکید دارند. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای عضو این معاهدات، تعهداتی برای تطبیق قوانین خود با این اصول دارد، اما هنوز چالش‌های بسیاری در تطابق سیاست‌های کیفری داخلی با موازین بین‌المللی وجود دارد (ساریخانی و چگنی، ۱۳۹۰: ۴۵).

این مجازات‌ها با اصول بین‌المللی حقوق بشر که بر اصلاح، بازپروری و رفتار انسانی با مجرمان تأکید دارد، همخوانی ندارد. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً هرگونه شکنجه و مجازات خشن یا تحقیرآمیز را ممنوع می‌کند، و این امر نیازمند بازنگری در قوانین داخلی ایران است تا سیاست‌های کیفری بر اساس این اصول انسانی‌تر تنظیم شوند.

برای حرکت به سمت همگرایی با نظام‌های حقوقی بین‌المللی، ایران باید سیاست‌های کیفری خود را با تعهدات حقوق بشری که در میثاق‌های بین‌المللی پذیرفته، منطبق کند. از جمله مهم‌ترین الزامات این همگرایی، حذف مجازات‌های خشن و فیزیکی همچون شلاق و جایگزینی آن با سیاست‌های اصلاحی و بازپرورانه است. در بسیاری از کشورها، مجازات‌های سنتی و فیزیکی جای خود را به روش‌های جدیدتری مانند تعهد به شرکت در دوره‌های آموزشی، مشاوره روان‌شناختی و کارهای اجتماعی داده‌اند که نه تنها به اصلاح رفتار فرد کمک می‌کند بلکه با اصول حقوق بشر و کرامت انسانی سازگارتر است (قهرمانی، ۱۳۹۵: ۸۷).

همچنین، ایران نیازمند تدوین قوانین جامع‌تر و دقیق‌تری برای مقابله با خشونت کلامی است. در این زمینه، می‌توان از تجربیات موفق کشورهایایی که با استفاده از رویکردهای مبتنی بر حقوق بشر، سیاست‌های جنایی خود را در مقابله با خشونت روانی و کلامی اصلاح کرده‌اند، الگو گرفت. در این کشورها، قوانینی تدوین شده که به‌طور مشخص به مقابله با خشونت کلامی پرداخته و از قربانیان این نوع خشونت حمایت قانونی بیشتری می‌کنند. این قوانین علاوه بر مجازات مرتکب، شامل تدابیر پیشگیرانه و ترمیمی نیز می‌شوند که به کاهش میزان خشونت در جامعه کمک می‌کند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۷: ۳۲).

در بسیاری از کشورها، سیاست‌های جنایی در سال‌های اخیر به سمت همگرایی با اصول بین‌المللی حقوق بشر حرکت کرده‌اند. به‌عنوان مثال، کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌طور

گسترده از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای تدوین و اصلاح سیاست‌های جنایی خود بهره می‌برند. در این کشورها، مجازات‌های فیزیکی تقریباً به‌طور کامل از سیاست‌های جنایی حذف شده و جای خود را به سیاست‌های اصلاحی داده‌اند. این اصلاحات، بر اساس اصل کرامت انسانی و احترام به حقوق بشر طراحی شده و به‌ویژه در جرایم روانی و کلامی که تأثیرات روانی عمیقی بر قربانیان دارند، بسیار مؤثر واقع شده‌اند.

موازن بین‌المللی با هدف تقویت سیاست‌های انسانی و غیرکیفرگرا، راهکارهایی ارائه کرده‌اند که می‌توانند به‌عنوان مبنایی برای اصلاح و بهینه‌سازی نظام حقوق کیفری ایران مورد استفاده قرار گیرند. این موازن که بر مبنای اسناد معتبری همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قواعد حداقل سازمان ملل برای رفتار با زندانیان (معروف به قواعد نلسون ماندلا)، اصول توکیو و دستورالعمل‌های مرتبط با عدالت ترمیمی تنظیم شده‌اند، تأکید دارند که جایگزینی مجازات‌های سنتی با سیاست‌های انسانی و مبتنی بر اصلاح و بازپروری، می‌تواند کارآمدی و عدالت اجتماعی را بهبود بخشد.

یکی از رویکردهای کلیدی این موازن، اولویت دادن به جایگزین‌های غیرحبسی و غیرکیفرگرا است. اسناد بین‌المللی از جمله اصول توکیو توصیه می‌کنند که به‌جای تمرکز صرف بر مجازات‌های سنتی مانند حبس، از تدابیری نظیر خدمات اجتماعی، تعهد به عدم تکرار جرم، یا میانجی‌گری استفاده شود. این تدابیر نه تنها به کاهش بار زندان‌ها و مدیریت بهتر منابع قضایی کمک می‌کنند، بلکه رویکردی انسانی‌تر و اصلاحی را دنبال می‌کنند که بر بازسازی روابط اجتماعی و تقویت همبستگی تمرکز دارد.

علاوه بر این، عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سیاست‌های غیرکیفرگرا مورد تأکید دستورالعمل‌های سازمان ملل قرار دارد. این رویکرد که بر مشارکت فعال قربانی و مرتکب در فرآیند حل اختلاف تأکید دارد، به بازسازی روابط تخریب‌شده و ترمیم آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند. عدالت ترمیمی از طریق ابزارهایی مانند جلسات میانجی‌گری و توافق‌های جبرانی، به‌جای تمرکز بر مجازات تنبیهی، اهداف اصلاحی و ترمیمی را دنبال می‌کند.

یکی دیگر از توصیه‌های موازن بین‌المللی، تقلیل و حتی حذف مجازات‌های فیزیکی و بدنی است. معاهداتی مانند کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای خشن، غیرانسانی یا

تحقیق‌آمیز، بر لزوم تطبیق سیاست‌های کیفی با کرامت انسانی تأکید دارند و خواستار محدودیت شدید یا حذف این نوع مجازات‌ها شده‌اند. این اسناد معتقدند که مجازات‌ها باید اهداف اصلاحی و بازپروری داشته باشند و هرگونه رفتار مغایر با کرامت انسانی باید کنار گذاشته شود.

آینده‌پژوهی و رویکردهای همگرایی سیاست جنایی خشونت کلامی

آینده‌پژوهی در حوزه سیاست‌های جنایی به‌ویژه در زمینه خشونت کلامی، رویکردی مبتنی بر پیش‌بینی تحولات آینده و سازگاری نظام حقوقی با نیازهای اجتماعی و بین‌المللی است. خشونت کلامی به دلیل ماهیت غیرفیزیکی و تأثیرات عمیق روانی آن، نیازمند چارچوب‌های قانونی خاصی است که باید نه‌تنها پاسخگوی شرایط فعلی باشد، بلکه با توجه به روندهای جهانی در حوزه حقوق بشر و فناوری‌های نوین، آینده‌نگری لازم را نیز داشته باشد.

در سطح جهانی، روندهای نوینی در حوزه سیاست‌های جنایی در حال شکل‌گیری است که به‌ویژه در زمینه جرایم روانی و کلامی اهمیت ویژه‌ای دارند. یکی از این رویکردها، عدالت ترمیمی است که به‌جای تمرکز بر مجازات صرف، بر بازپروری مجرم و ترمیم آسیب‌های وارده به قربانیان تأکید دارد. این رویکرد نه‌تنها در کشورهایی با نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌کار گرفته شده، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز به‌عنوان مدلی برای کاهش تنش‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی همگرایی سیاست‌های جنایی با حقوق بشر مطرح می‌شود. در این رویکرد، به‌جای اعمال مجازات‌های فیزیکی و محدودکننده، از ابزارهایی مانند میانجی‌گری، مشاوره روان‌شناختی و مشارکت در برنامه‌های اجتماعی استفاده می‌شود تا مرتکبان خشونت کلامی به بهبود رفتار خود و ترمیم آسیب‌های وارده کمک کنند. این نوع سیاست، با تعهدات بین‌المللی ایران نیز همخوانی دارد و می‌تواند مسیر آینده‌ای برای اصلاحات در سیاست‌های جنایی کشور باشد (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۵).

یکی از ابعاد آینده‌پژوهی در زمینه خشونت کلامی، نقش فناوری‌های نوین است. با پیشرفت روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، شکل‌های جدیدی از خشونت کلامی به وجود

آمده که شامل خشونت سایبری، آزار و اذیت اینترنتی و افترا در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. این تحولات، نظام‌های حقوقی را به چالش کشیده و نیاز به رویکردهای جدیدی در مقابله با این نوع خشونت‌ها ایجاد کرده است.

کشورهای مختلف با توسعه قوانینی برای مقابله با خشونت‌های سایبری، سعی کرده‌اند تا با به‌روز رسانی سیاست‌های جنایی خود، پاسخگوی این چالش‌ها باشند. برای مثال، در اتحادیه اروپا قوانین مشخصی برای مقابله با آزار و اذیت آنلاین تدوین شده که شامل مجازات‌های مالی، مسدودسازی حساب‌های کاربری و حتی حبس برای موارد شدیدتر است. ایران نیز باید در سیاست‌های جنایی خود به این تحولات فناوری توجه کرده و چارچوب‌های قانونی لازم را برای مقابله با خشونت کلامی در فضای مجازی تدوین کند.

در راستای همگرایی با نظام‌های حقوقی بین‌المللی، ایران باید به روندهای جهانی در تدوین قوانین مرتبط با خشونت کلامی توجه داشته باشد. سند‌های بین‌المللی حقوق بشر، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، همگی بر لزوم احترام به کرامت انسانی و منع هرگونه خشونت تأکید دارند. همگرایی با این اصول حقوقی می‌تواند از طریق اصلاح قوانین داخلی و تطبیق آن با استانداردهای بین‌المللی صورت گیرد (الله‌وردی، ۱۳۹۳: ۸۳).

با توجه به تغییرات جهانی و ضرورت‌های بین‌المللی، ایران باید در سال‌های آینده به سمت سیاست‌های جنایی پیشگیرانه، ترمیمی و همسو با حقوق بشر حرکت کند. قوانین فعلی در زمینه خشونت کلامی نیازمند بازنگری اساسی هستند تا بتوانند پاسخگوی تحولات اجتماعی و تکنولوژیک باشند. این بازنگری شامل اصلاح مجازات‌های فیزیکی و جایگزینی آنها با روش‌های پیشگیرانه و بازپرورانه است. همچنین تدوین قوانین جامع برای مقابله با خشونت سایبری و تقویت سازوکارهای حمایتی برای قربانیان این نوع خشونت از الزامات آینده‌ای موفق در این حوزه است.

همچنین، ایران باید به دنبال ایجاد نهادهای مستقل برای بررسی و رسیدگی به خشونت‌های کلامی و روانی، به‌ویژه در فضای مجازی باشد. این نهادها می‌توانند علاوه بر بررسی شکایات، به آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی در زمینه خشونت کلامی نیز کمک کنند و نقش مهمی در کاهش این نوع خشونت در جامعه ایفا کنند (ذکایی، ۱۳۹۱: ۷۳).

راهکارهای ترکیبی پیشگیری و اصلاح

در حوزه سیاست‌های جنایی مرتبط با خشونت کلامی، استفاده از رویکردهای ترکیبی که هم شامل پیشگیری و هم اصلاح رفتار مجرم باشد، به‌عنوان یک راهکار مؤثر و کارآمد شناخته شده است. این راهکارها می‌توانند به کاهش وقوع خشونت کلامی، ترمیم آسیب‌های روانی و اجتماعی وارده به قربانیان و اصلاح رفتار مرتکبان کمک کنند. در این بخش، به بررسی راهکارهای ترکیبی پیشگیری و اصلاح با تمرکز بر قوانین داخلی و بین‌المللی می‌پردازیم و نقش آنها را در بهبود سیاست‌های جنایی ایران تحلیل می‌کنیم.

۱. آموزش و آگاهی‌بخشی به‌عنوان ابزار پیشگیری: یکی از مؤثرترین راهکارهای پیشگیرانه، آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی است. این رویکرد می‌تواند از سطح مدارس و دانشگاه‌ها آغاز شود و در قالب برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های مختلف حقوق شهروندی، حقوق بشر و فرهنگ گفت‌وگو به افراد منتقل شود. آموزش عمومی در مورد پیامدهای روانی و اجتماعی خشونت کلامی و لزوم احترام به کرامت انسانی، می‌تواند باعث کاهش موارد خشونت کلامی شود. از منظر قوانین بین‌المللی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، در ماده ۱۹ بر اهمیت آزادی بیان تأکید کرده اما هم‌زمان مسئولیت استفاده از این حق را یادآور می‌شود و آموزش در این زمینه می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده از آزادی بیان برای ایجاد خشونت کلامی کمک کند. در ایران، این امر نیازمند توسعه برنامه‌های آموزشی حقوقی و فرهنگی است که در چارچوب مدارس، دانشگاه‌ها و حتی در رسانه‌های عمومی اجرا شود. برای مثال، از طریق برنامه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان به جامعه آموزش داد که خشونت کلامی تا چه حد می‌تواند به روابط اجتماعی و فردی آسیب بزند. همچنین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای افراد مختلف جامعه، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، می‌تواند به کاهش بروز این نوع خشونت کمک کند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۰).

۲. تقویت میانجی‌گری و حل‌وفصل اختلافات: میانجی‌گری یکی از ابزارهای اصلاحی و پیشگیرانه‌ای است که در بسیاری از کشورها برای کاهش خشونت‌های روانی و کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این رویکرد، به جای اعمال مجازات‌های سنگین، از جلسات میانجی‌گری برای حل‌وفصل اختلافات استفاده می‌شود. این روش به‌خصوص در مواردی که

خشونت کلامی میان اعضای خانواده، همکاران یا افراد جامعه رخ می‌دهد، مؤثر است. قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در ماده ۸۲ به امکان استفاده از میانجی‌گری در جرایم قابل‌گذشت اشاره دارد. این ظرفیت قانونی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مقابله با خشونت کلامی به‌کار گرفته شود. با توسعه نهادهای میانجی‌گری و تقویت نقش آنها، افراد می‌توانند بدون نیاز به ورود به فرآیندهای پیچیده قضایی، مشکلات خود را از طریق گفتگو و مشاوره حل کنند. این رویکرد، نه تنها به اصلاح رفتار مجرم کمک می‌کند، بلکه روابط میان افراد را ترمیم می‌کند و از وقوع خشونت‌های مشابه در آینده جلوگیری می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۰).

۳. استفاده از برنامه‌های بازپروری و اصلاحی: برنامه‌های بازپروری و اصلاحی یکی دیگر از روش‌های ترکیبی مؤثر در مواجهه با خشونت کلامی است. به‌جای اعمال مجازات‌های فیزیکی یا مالی، افراد مرتکب خشونت کلامی می‌توانند تحت برنامه‌های اصلاحی مانند جلسات مشاوره روان‌شناختی، آموزش‌های مربوط به کنترل خشم، و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی قرار گیرند. این برنامه‌ها به فرد کمک می‌کند تا رفتار خشونت‌آمیز خود را اصلاح کند و به‌جای تشدید تنش‌ها، به بازسازی ارتباطات اجتماعی بپردازد. از نظر تطبیقی، بسیاری از کشورها از این نوع برنامه‌های بازپروری به‌عنوان بخشی از سیستم کیفری خود استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، در کشورهای اروپایی، مجرمانی که مرتکب خشونت‌های کلامی شده‌اند، به شرکت در برنامه‌های اصلاحی ملزم می‌شوند. این برنامه‌ها بر رفتار درمانی و آگاهی‌بخشی تمرکز دارند و به اصلاح بلندمدت رفتار فرد کمک می‌کنند (صفاری، ۱۳۸۹: ۶۷).

۴. تدوین قوانین جامع‌تر و اجرای مجازات‌های جایگزین: یکی از اقدامات ضروری برای پیشگیری و اصلاح در مقابله با خشونت کلامی، تدوین قوانین جامع‌تر در این زمینه است. در حال حاضر، قانون مجازات اسلامی تنها به موارد کلی مانند توهین و افترا پرداخته و فاقد قوانین دقیق و جامع در مورد خشونت کلامی است. تدوین یک قانون جامع که به‌طور خاص به تعریف خشونت کلامی، پیشگیری و مجازات آن بپردازد، ضروری است. همچنین، مجازات‌های جایگزین به‌عنوان راهکاری اصلاحی می‌تواند جایگزین مجازات‌های سنگین فیزیکی مانند شلاق

یا حبس شود. این مجازات‌ها شامل شرکت در دوره‌های آموزشی، تعهد به عدم تکرار رفتار خشونت‌آمیز و حتی مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند باشد. در کشورهای دیگر، این نوع مجازات‌های جایگزین نه تنها به کاهش خشونت کلامی کمک کرده بلکه به اصلاح بلندمدت رفتار فرد منجر شده است (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۵: ۴۱).

۵. حمایت از قربانیان خشونت کلامی: یکی از جنبه‌های کلیدی سیاست‌های پیشگیرانه و اصلاحی، حمایت از قربانیان خشونت کلامی است. این حمایت می‌تواند شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای، روان‌شناختی و اجتماعی به قربانیان باشد. قربانیان خشونت کلامی به دلیل تأثیرات روانی این نوع خشونت، نیازمند حمایت‌های خاصی هستند که به ترمیم آسیب‌های روانی آنها کمک کند. بسیاری از کشورها نهادهای حمایتی خاصی را برای قربانیان خشونت‌های کلامی ایجاد کرده‌اند که به آنها امکان دسترسی به خدمات حمایتی و حقوقی را می‌دهد. در ایران، چنین نهادهایی به صورت جامع وجود ندارد و نیاز است که از طریق اصلاحات قانونی و ایجاد نهادهای حمایتی، خدمات لازم برای قربانیان فراهم شود. این نهادها می‌توانند به قربانیان کمک کنند تا از

۱ هرچند لازم به ذکر است که حذف مجازات‌های فیزیکی یا بدنی در نظام حقوق کیفری ایران به دلیل وابستگی عمیق به مبانی شرعی و فقهی، گاهی با موانع قابل توجهی روبرو است. این نوع مجازات‌ها، به‌ویژه در جرایم حدی، مبتنی بر نصوص قطعی شرعی هستند و تغییر یا حذف آن‌ها مستلزم تطبیق دقیق با موازین شریعت است. با این حال، در حوزه تعزیرات که تعیین نوع و میزان مجازات بر عهده حاکم اسلامی قرار گرفته، امکان اعمال تغییرات و جایگزینی‌های نوین وجود دارد.

یکی از مواردی که می‌تواند در راستای پاسخ به این موانع شرعی مطرح شود، ارجاع به نظرات شورای نگهبان است که در تایید سیاست‌های جایگزین حبس و سایر مجازات‌های اصلاحی نقش مهمی داشته است. شورای نگهبان به‌عنوان نهادی که تطابق قوانین با شرع را بررسی می‌کند، در مواردی سیاست‌های جایگزین حبس، از جمله خدمات عمومی اجباری، میانجی‌گری، دوره‌های آموزشی و الزام به پرداخت خسارت را تایید کرده است. این نشان‌دهنده پذیرش تدریجی ابزارهای جایگزین توسط مراجع شرعی در محدوده‌ای است که تضادی با اصول شریعت نداشته باشد.

با وجود این، حذف کامل مجازات‌های فیزیکی یا بدنی، به‌ویژه در جرایم حدی، نیازمند تفسیرهای اصولی و مقاصدی از شریعت است. فقهای معاصر می‌توانند با تأکید بر اصولی همچون دفع ضرر، رفع حرج، و تحقق عدالت اجتماعی، دیدگاه‌های جدیدی ارائه دهند که نه تنها با شریعت اسلامی همخوانی داشته باشد، بلکه زمینه‌ساز به‌کارگیری ابزارهای نوین در نظام حقوقی شود.

طریق مشاوره و خدمات روان‌شناختی، تأثیرات منفی خشونت کلامی را پشت سر بگذارند و به زندگی عادی خود بازگردند (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۶۵).

اصلاحات حقوقی و فرهنگی برای کاهش خشونت کلامی

برای کاهش خشونت کلامی در جامعه، نیاز به یک رویکرد جامع وجود دارد که هم از نظر حقوقی و هم فرهنگی اصلاحات لازم را دربرگیرد. در حوزه حقوقی، اصلاح قوانین و به‌روزرسانی آنها برای پوشش بهتر خشونت کلامی، به‌ویژه در بستر فضای مجازی، ضروری است. در ایران، قوانین موجود مانند ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی به مقابله با توهین و افترا پرداخته‌اند. این مواد، هرچند ابزاری برای مقابله با خشونت کلامی در اختیار قرار می‌دهند، اما به دلیل فقدان جامعیت و عدم پوشش تمامی ابعاد خشونت کلامی، نیازمند اصلاح و بازنگری هستند. به‌ویژه در دنیای امروز که فضای مجازی نقش عمده‌ای در تعاملات انسانی دارد، خشونت‌های کلامی در این بستر رو به افزایش است و قانون‌گذاری برای آن ضروری است. بنابراین، تدوین قوانینی خاص برای مقابله با خشونت کلامی در فضای مجازی و سایر بسترهای جدید ارتباطی باید از اولویت‌های اصلاحات حقوقی باشد.

از سوی دیگر، مجازات‌هایی مانند شلاق و حبس که برای جرایمی همچون توهین و افترا در قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شده‌اند، با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت ندارند. به‌جای مجازات‌های فیزیکی، استفاده از مجازات‌های جایگزین نظیر شرکت در دوره‌های آموزشی و برنامه‌های بازپروری، می‌تواند رویکردی اصلاح‌گرایانه‌تر باشد. این نوع مجازات‌ها نه تنها با اصول حقوق بشر سازگارتر هستند، بلکه به اصلاح رفتار مرتکبان نیز کمک می‌کنند. ترویج عدالت ترمیمی نیز از دیگر رویکردهایی است که باید در نظام قضایی ایران تقویت شود. عدالت ترمیمی به‌جای تأکید بر مجازات، به بازسازی روابط اجتماعی و جبران خسارت‌های وارده به قربانیان می‌پردازد. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به امکان میانجی‌گری در جرایم قابل‌گذشت اشاره کرده است، اما این ظرفیت به‌طور کامل برای خشونت‌های کلامی به‌کار گرفته نشده است. توسعه نهادهای میانجی‌گری و استفاده از این رویکرد برای حل و فصل اختلافات ناشی از خشونت کلامی می‌تواند به کاهش این نوع خشونت‌ها کمک کند (برهانی، ۱۳۹۷: ۹۲).

علاوه بر اصلاحات حقوقی، تغییرات فرهنگی نیز در کاهش خشونت کلامی نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. فرهنگ احترام به حقوق دیگران و گفت‌وگوی سازنده باید از دوران کودکی آموزش داده شود و در سطح جامعه گسترش یابد. آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی در مورد پیامدهای روانی و اجتماعی خشونت کلامی می‌تواند به جلوگیری از گسترش این نوع خشونت کمک کند. آموزش‌های حقوقی و فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها باید به تقویت مهارت‌های گفت‌وگو و حل اختلافات بدون استفاده از زبان خشونت‌آمیز پردازند. بسیاری از موارد خشونت کلامی به دلیل ناتوانی در مدیریت خشم و نبود فرهنگ گفت‌وگو در جامعه رخ می‌دهد، بنابراین تقویت فرهنگ گفت‌وگو و احترام به حقوق دیگران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از نظر قوانین بین‌المللی، ایران به‌عنوان یکی از امضاکنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و اعلامیه جهانی حقوق بشر، متعهد به رعایت استانداردهای حقوق بشری است. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً هرگونه رفتار تحقیرآمیز را ممنوع کرده است. همچنین، ماده ۱۹ این میثاق، بر حق آزادی بیان تأکید دارد اما این آزادی نباید به حقوق دیگران آسیب برساند. در این راستا، قوانین ایران باید با این استانداردهای بین‌المللی همسو شوند. مجازات‌های فیزیکی مانند شلاق که در قوانین ایران برای برخی از جرایم کلامی تعیین شده، با اصول حقوق بشری بین‌المللی مغایرت دارد و باید به مجازات‌های جایگزین تغییر یابد.

جایگزینی مجازات‌های غیرکیفرگرا با تأکید بر اصول حقوق بشری

جایگزینی مجازات‌های غیرکیفرگرا با رویکردی مبتنی بر اصول حقوق بشری یکی از رویکردهای نوین در سیاست‌های جنایی است که به‌جای تمرکز صرف بر مجازات و تنبیه مرتکبان، به بازپروری، اصلاح رفتار و ترمیم آسیب‌های وارده به قربانیان توجه دارد. این رویکرد، که در بسیاری از کشورها با موفقیت اجرا شده است، تلاش می‌کند تا با کاهش تأثیرات منفی مجازات‌های سختگیرانه بر جامعه و مجرمان، به ارتقای کرامت انسانی و تقویت عدالت اجتماعی پردازد.

در نظام حقوقی ایران، قوانین کیفری مانند ماده ۶۰۸ و ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی برای جرایم کلامی و توهین مجازات‌هایی نظیر شلاق، حبس و جریمه نقدی را پیش‌بینی کرده‌اند. این مجازات‌ها هرچند در ظاهر به‌عنوان ابزاری برای مقابله با خشونت کلامی مورد استفاده قرار

می‌گیرند، اما از نظر حقوق بشری دارای کاستی‌های مهمی هستند. مجازات‌های فیزیکی مانند شلاق، از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و اعلامیه جهانی حقوق بشر، با اصول کرامت انسانی در تضاد هستند. ماده ۷ این میثاق به صراحت هرگونه رفتار غیرانسانی، تحقیرآمیز و شکنجه را ممنوع کرده و کشورهای عضو، از جمله ایران، ملزم به رعایت این اصول هستند. از این‌رو، جایگزینی مجازات‌های غیرکیفرگرا با احترام به کرامت انسانی و اصول حقوق بشری ضروری به نظر می‌رسد.

مجازات‌های جایگزین به‌عنوان یک راه‌حل مؤثر در این زمینه، شامل روش‌هایی است که به جای تنبیه جسمی و تحقیرآمیز، به بازپروری مجرم و بازگشت او به جامعه کمک می‌کند. یکی از این روش‌ها، شرکت در برنامه‌های آموزشی و اصلاحی است. مرتکبان جرایم کلامی می‌توانند به جای حبس یا شلاق، به گذراندن دوره‌های آموزشی ملزم شوند که به آنها مهارت‌های ارتباطی، مدیریت خشم و احترام به حقوق دیگران را آموزش دهد. این نوع آموزش‌ها نه تنها به بهبود رفتار فرد مرتکب کمک می‌کند، بلکه به پیشگیری از تکرار جرم نیز منجر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۴: ۵۶).

در همین راستا، عدالت ترمیمی یکی دیگر از راهکارهای مهم در جایگزینی مجازات‌های کیفرگرا است. عدالت ترمیمی، به جای تأکید بر مجازات مرتکب، بر جبران خسارت وارده به قربانی و ترمیم روابط اجتماعی تأکید دارد. این رویکرد به‌ویژه در جرایمی مانند خشونت کلامی که ماهیت روانی و اجتماعی دارند، بسیار مؤثر است. در ایران، ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری به امکان استفاده از میانجی‌گری در جرایم قابل‌گذشت اشاره دارد، اما این ظرفیت قانونی به‌طور کامل در مواردی چون خشونت کلامی به‌کار گرفته نشده است. توسعه نهادهای میانجی‌گری و تقویت این رویکرد می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و کاهش خشونت‌های کلامی کمک کند.

خدمات اجتماعی نیز به‌عنوان یکی دیگر از مجازات‌های جایگزین مطرح است. افرادی که مرتکب خشونت کلامی شده‌اند، می‌توانند به جای تحمل مجازات‌های فیزیکی، به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خدمات عمومی ملزم شوند. این نوع مجازات‌ها نه تنها به کاهش آسیب‌های روانی قربانی کمک می‌کند، بلکه به اصلاح رفتار مجرم نیز می‌پردازد. در بسیاری از کشورها، این رویکرد با موفقیت اجرا شده و باعث کاهش نرخ تکرار جرم شده است (محمدنسل، ۱۳۹۸: ۴۵).

در سطح بین‌المللی، ایران به عنوان عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، متعهد به رعایت اصول حقوق بشری است. این اسناد بر لزوم احترام به کرامت انسانی و استفاده از روش‌های جایگزین مجازات‌های خشن و غیرانسانی تأکید دارند. کشورهای پیشرو در حوزه حقوق بشر، با حذف مجازات‌های فیزیکی و تحقیرآمیز، به سمت استفاده از مجازات‌های جایگزین و ترمیمی حرکت کرده‌اند. ایران نیز برای همگام شدن با این تحولات، نیازمند بازنگری در قوانین داخلی و جایگزینی مجازات‌های غیرکیفرگرا با روش‌هایی است که بر بازپروری و اصلاح رفتار تأکید دارند (رحمدل، ۱۳۹۶: ۸۰).

نتیجه‌گیری

خشونت کلامی به‌عنوان یکی از پدیده‌های پیچیده و آسیب‌زا در جوامع مدرن، نیازمند برخورد جامع و چندجانبه است. در این پژوهش، به بررسی ضرورت اصلاحات حقوقی و فرهنگی در مقابله با این نوع خشونت پرداختیم و نشان دادیم که استفاده از رویکردهای غیرکیفرگرا و مبتنی بر اصول حقوق بشری می‌تواند به کاهش مؤثر آن کمک کند.

از منظر حقوقی، قوانین ایران مانند ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی اگرچه به مقابله با توهین و افترا پرداخته‌اند، اما به دلیل ناتوانی در پوشش جامع و دقیق تمامی ابعاد خشونت کلامی، نیازمند اصلاح و به‌روزرسانی هستند. به‌ویژه در فضای مجازی که انواع جدیدی از خشونت‌های کلامی در حال شکل‌گیری است، قوانین فعلی نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند. بنابراین، تدوین قوانین جامع و به‌روز که شامل مقابله با خشونت کلامی در فضای مجازی و سایر بستری‌های ارتباطی جدید باشد، ضروری است.

در کنار اصلاحات حقوقی، تغییرات فرهنگی نیز نقش مهمی در کاهش خشونت کلامی ایفا می‌کند. آموزش عمومی از سنین پایین، ترویج فرهنگ گفت‌وگو و احترام به حقوق دیگران، و نقش رسانه‌ها در افزایش آگاهی عمومی از پیامدهای منفی خشونت کلامی، از عوامل کلیدی در این زمینه هستند. جامعه باید به‌سمت نهادینه کردن مهارت‌های گفت‌وگو و حل اختلافات بدون استفاده از زبان خشونت‌آمیز حرکت کند تا بتواند این پدیده را در سطحی گسترده کاهش دهد.

از منظر بین‌المللی، ایران به‌عنوان یکی از امضاکنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، متعهد به رعایت اصول کرامت انسانی و استفاده از مجازات‌های جایگزین به‌جای مجازات‌های خشن و تحقیرآمیز است. همگام شدن با این تعهدات، نیازمند اصلاح قوانین داخلی و حرکت به‌سوی روش‌های بازپرورانه و ترمیمی در مواجهه با خشونت کلامی است.

با توجه به تحلیل ارائه‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که حذف یا جایگزینی مجازات‌های فیزیکی یا بدنی در نظام حقوق کیفری ایران، هرچند با موانع شرعی روبرو است، اما از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، اجتهادی و تایید مراجع قانونی نظیر شورای نگهبان، امکان‌پذیر خواهد بود. در این راستا، رویکردهای سیاست انسانی و غیرکیفرگرا که در چارچوب اصول شرعی قابل اجرا باشند، می‌توانند به‌عنوان جایگزین‌های مناسب مطرح شوند. این رویکردها شامل مصادیق و شاخص‌های زیر هستند:

۱. اجرای مجازات‌های جایگزین حبس: شامل خدمات عمومی اجباری، شرکت در برنامه‌های بازپروری و آموزشی، و سایر فعالیت‌های اصلاحی که می‌توانند ضمن تحقق عدالت، آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهند.
۲. میانجی‌گری و عدالت ترمیمی: ایجاد نهادهای میانجی‌گری تخصصی برای حل و فصل اختلافات، کاهش خشونت و بازسازی روابط اجتماعی به جای تمرکز صرف بر تنبیه.
۳. برنامه‌های اصلاح و بازپروری: الزام مرتکبین به شرکت در جلسات مشاوره روانشناختی، دوره‌های مهارت‌آموزی و تقویت آگاهی اجتماعی به‌منظور پیشگیری از تکرار جرم.
۴. جبران خسارت مالی یا معنوی: تشویق مرتکبین به پرداخت خسارت یا عذرخواهی رسمی به قربانیان به‌عنوان اقدامی برای ترمیم آسیب‌های واردشده.
۵. تفسیر و اجتهاد پویا در تعزیرات: استفاده از اختیارات حاکم اسلامی برای تغییر مجازات‌های فیزیکی به مجازات‌های ترمیمی و اجتماعی در جرایم تعزیری، به‌ویژه در مواردی که نصوص شرعی قطعی وجود ندارد.

۶. تقویت نظارت بر سیاست‌گذاری کیفری: تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های جدید مبتنی بر اصول شرعی و اجتماعی که جایگزین‌های انسانی و غیرکیفرگرا را به‌عنوان بخشی از سیاست کیفری نظام تعریف کند.

۷. حذف تدریجی مجازات‌های بدنی در چارچوب مصلحت و ممانعت از ضرر: استفاده از قواعد فقهی همچون "لاضرر" و "رفع حرج" برای حذف تدریجی مجازات‌های بدنی در مواردی که نتایج منفی اجتماعی بیشتری به‌همراه دارند.

فهرست منابع

- ابراهیم‌بای سلامی، غلام‌حیدر (۱۳۸۵). فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران. انجمن فرهنگی ایران و ارتباطات، ۵، ۲۳۴-۲۱۳.
- احمدزاده، رسول و تام، مجتبی (۱۴۰۰). ملاحظاتی در باره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. چاپ چهارم. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). قلمرو امنیت در حقوق کیفری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- آقابابایی، حسین و نظری، علی (۱۴۰۰). جنبه عمومی جنایت در حقوق کیفری ایران: از تحولات قانونی تا چالش‌های حقوقی-قضایی. پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۴)، ۱۸۷-۲۱۶.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۹). جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). چاپ دهم. تهران: میزان.
- ایروانیان، امیر (۱۳۹۲). نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی. با مقدمه دکتر محمدعلی اردبیلی. چاپ اول. تهران: شهردانش.
- باقری، صالح؛ وفا درویش‌پور، محمد (۱۳۹۶). بررسی جایگاه حقوقی توهین در قانون ایران. تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۳(۲۰)، ۹۱-۱۰۷.
- برهانی، محسن (۱۳۹۷). اخلاق و حقوق کیفری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- توکلی، فاطمه؛ آقابابایی، حسین و شاه‌ملک‌پور، حسن (۱۳۹۴). مبانی دینی و اصول جرم‌انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو. حقوق کیفری، ۶(۱۲)، ۷۴-۴۹.
- حسینی، محمد (۱۳۹۴). سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۱). جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان. جامعه‌شناسی ایران، ۱ و ۲، ۵۸-۸۳.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۶). تناسب جرم و مجازات. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. چاپ اول. تهران: میزان.
- ساریخانی، عادل؛ چگنی، مهدی (۱۳۹۰). مبانی حرمت قذف و بررسی معین بودن مقذوف. علامه، ۱۱(۳۵)، ۷۷-۱۰۶.
- سپهوند، امیر (۱۳۸۹). جرایم علیه اشخاص. چاپ پنجم. تهران: مجد.
- صفاری، علی (۱۳۸۹). کیفرشناسی؛ تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی. چاپ نهم. تهران: جنگل.
- عبداللهی‌نژاد، علیرضا و مجلسی، نو شین (۱۳۹۷). خشونت کلامی در فضای مجازی مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی. مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۳)، ۱-۶۱.

- فانی، رضا و حمیده اصل پور (۱۳۹۷). چالش‌های فقهی و حقوقی تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیرقابل گذشت در حقوق کیفری ایران. علم و وکالت، ۱(۱)، ۱۷۷-۲۰۶.
- قهرمانی، رحیم (۱۳۹۵). معافیت از جرم توهین به مأموران دولتی در حین انجام وظیفه. رویه قضایی (حقوق کیفری)، ۱(۲)، ۸۷-۹۸.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان. حقوق کیفری، ۲(۲)، ۸۵-۱۰۲.
- کوشش‌کار، ریحانه؛ قاسمی‌عهد، وحید (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان. دانش حقوق مدنی، ۸(۱)، ۵۷-۴۲.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶). مبانی جرم‌شناسی. چاپ هشتم. تهران: دانشگاه تهران.
- الله‌وردی، فرهاد (۱۳۹۳). رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۹). جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). چاپ اول. تهران: سمت.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۸). جرم و سیاست جنایی: فرایند سیاست‌گذاری و کنشگران آن. تهران: دادگستر.
- محمودی، مرتضی؛ بابایی، محمدعلی و حسینی، سیده بنی (۱۳۹۶). ارکان جرایم قابل گذشت در حقوق کیفری ایران. آموزه‌های حقوق کیفری، ۷(۱۴)، ۳۹-۶۴.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها. در دیپاچه‌ی کتاب نظام‌های بزرگ سیاست جنایی اثر می‌ری دلماس و مارتی. چاپ سوم. تهران: میزان.